

خلاصه سخنرانی آقای پروفیسور هاز

موزه های بزرگ اتنوگرافی و موزه اتنوگرافی ایران

این موضوع را میتوان بسه قسمت متمایز تقسیم نمود .

- ۱ - بنیان موزه جدید
- ۲ - نمونه هائی چند از انواع موزه های مردم شناسی اروپا
- ۳ - چگونگی موزه مردم شناسی ایران

موزه جدید یکی از بنگاههای علمی است که در قرن نوزدهم میلادی ایجاد گردیده و اهمیتی بسزا یافته است، پایه تشکیلات موزه را بطور کلی میتوان مبتنی بدو امر دانست .

اول نهضت آمپیریسیم^۱ در علوم - دوم جنبش افکار عامه برای نیل بدرجات عالیہ معلومات آمپیریسیم^۲ عبارت از روش تجربی است که بسیاری از دانشمندان در مطالعات علمی بکار میبرند و هر گونه استدلالی را که متکی بر حقایق تجربی نیست برانداخته و آنچه که بتجربه در میآید آنها را صحیح میدانند - در این روش علمی باید هر موضوع را با نظر بیطرفی مورد مطالعه قرار داده احساسات شخصی و مذهبی و بطور کلی هر نوع حبّ و بغض را فراموش نمود - عالمی که با دیده باریک بین امور را بروش تجربی تحت مذاقه در میآورد تمام حقایق در نظرش یکسان بوده و باعشق و کنجکاو یکنواختی بهمه آنها میپردازد - این روش تجربی را میتوان بمنزله یکنوع ریاضت علمی دانست .

آمپیریسیم^۳ نخست نسبت بعلوم طبیعی سهولت عملی گردید سپس در امور اجتماعی - فکری - اخلاقی - سیاسی و تاریخ اقوام بشری پدید آمد چنانکه علماء از آغاز قرن نوزدهم با فکری باز و آزاد از عقاید کهنه پرستی و خرافات بتحقیقات علمی پرداختند - در اروپا پیش از قرن نوزدهم این روش در میان نبود و میدان علوم وسعتی چندان نداشت مثلاً تا اواخر قرن هیجدهم اسمی از تاریخ عمومی برده نمیشد و تاریخ را منحصر بتاریخ اروپا

میدانستند - در قرون وسطی اروپائیان مذهب را عبارت از آئین عیسوی دانسته بسایر مذاهب توجهی مبذول نمیشد - در قرن نوزدهم تاریخ عمومی و علم الادیان و علم الاجتماع و غیره بوجود آمده هر کدام علمی مشخص و حائز اهمیت گردید .

در این روش تحقیقی مطالعه موضوعات کوچک و بزرگ در نظر علماء یکسان شده و افق تابان دانش توسعه شایانی یافت - از این رومی بینیم که در اثر علوم آمپیریسیم^۱ افق پهناوری از معلومات جدید در برابر ما نمایان گردیده است که مطالب فوق مربوط به علم مردم شناسی است .

تا آغاز قرن نوزدهم علماء توجه خاصی نسبت بجنبه های مختلف زندگانی مادی و معنوی بشر نکرده بودند - حتی حس^۲ مطالعه تمدن فرهنگ مهم ملل شرقی بین علمای اروپائی دیده نمیشد بلکه بانظرشگفتی بدین تمدن مینگریستند و اقوام اولیه نیز هیچگاه مورد توجه نبودند .

امروز بعکس توجه کاملی نسبت بایشان بعمل آمده مطالعات و تحقیقات در این زمینه روزافزون است .

نکته^۳ که قابل ذکر است اینکه در اواخر قرن هیجدهم موضوع تکامل وارد علوم گردید باین معنی که مثلاً در علوم طبیعی سلسله های مختلف تحولات پیاپی یعنی درجات تکامل را در انواع موجودات مورد نظر قرار دادند این فکر تکامل در رشته های علوم اخلاقی (مانند تاریخ - علم الادیان - فلسفه - علم الاجتماع - روان شناسی و غیره) نیز مورد استفاده قرار گرفت چنانکه مجموعه هائی در این باب تهیه نمودند من جمله در مردم شناسی نیز مجموعه های بزرگ ایجاد گردید که در آنها تکامل بشری را بطرزی مرتب و مدرج (یعنی بترتیب از قبایل اولیه تا قبایل متمدن) نمایش میدهند - از اینجا معلوم میشود که موضوع تکامل در علوم مختلف اهمیت فراوان یافته و در اثر آن نظم و ترتیب در معلومات برقرار شده است .

گذشته از روش تجربی که در فوق ذکر گردید علت دیگر ایجاد موزه نفوذ

افکار توده است. چون عامه مردم اکتفا بمعلومات مقدماتی (یعنی خواندن و نوشتن) نکرده و میخواستند بدرجات عالی علوم نائل گردند از اینرو تشکیلات فرهنگی و تربیت عمومی توسعه یافت و برای آنکه علوم قابل فهم و فراخور قوه ادراک عامه باشد ناچار در آن یکنوع دگرگونی ایجاد نمودند از این لحاظ نخست علوم صورت جامع و مجملی بخود گرفت (یعنی تنها آنچه لازم و برای فهم توده مهم بود انتخاب شده و از جزئیات بیهوده صرف نظر گردید). سپس علوم مجسم و نمایان شد (یعنی قسمت های برجسته آنها را که قابل نمایش بود در یک جا بمعرض تماشای عامه گذاردند). بدین ترتیب موزه های جدیدی که علوم در آنها بشکل جامع و در عین حال مرئی و مجسم نشان داده میشود احداث گردید.

خلاصه اینکه در ابتدای قرن نوزدهم اولاً هر رشته از علوم بواسطه روش تجربی و تأثیر موضوع تکامل دسته بندی شد ثانیاً بواسطه نهضت افکار عامه بسوی دانش این دستجات یا مجموعه ها بصورت موزه مبدل گردید.

فرق بین موزه و کلکسیون (مجموعه)

کلکسیون علمی باید حتی المقدور کامل باشد زیرا وجود آن برای مطالعات و تحقیقات علمی نهایت لزوم را دارد. در صورتیکه منظور از موزه چنین نیست موزه برای تماشای عامه ساخته شده و در آن کافی است نمونه های برجسته ای که برای نشان دادن یک حقیقت علمی لازم است بمعرض نمایش گذارده شود.

قسمت دوم این سخنرانی چنانکه بعرض رسیده راجع است بمطالعه نمونه هائی چند از موزه های مردم شناسی اروپا برای اینکار اندکی از چگونگی موزه های هر کشور جداگانه شرح میدهیم.

اگر از ایران مسافرتی بسوی اروپا نمائیم در مسیر خود نخستین موزه مردم شناسی را در باکویه خواهیم دید. در تفلیس نیز موزه مردم شناسی دیگری وجود دارد اهمیتی که در آنجا بمردم شناسی میدهند روی دواصل است: یکی دانش پروری دیگر آنکه چون در این سرزمین تنوع زیادی از حیث نژاد و درجه معلومات ساکنین حکمفرماست

میکوشند تا مگر این عده متنوع را تحت يك مليت و تمدن در آورده و وحدتی بین آنها ایجاد کنند برای این منظور نژاد شناسان در جزئیات اخلاق و روش زندگانی اهالی موشکافی کرده آثار و نمونه هائی برجسته از آداب و رسوم آنان را در موزه های مردم شناسی گرد می آورند .

چون از آنجا گذشته بلهستان میرسیم موزه مردم شناسی بزرگی در ورشو خواهیم دید - این موزه نمایشگاه کاملی از جزئیات زندگانی لهستانی است - در بوداپست نیز يك موزه مردم شناسی دیده میشود که بهمین سبک ساخته شده یعنی در آن آثار برجسته ای از اوضاع گوناگون زندگی و اخلاق روستائیان هنگری بمعرض نمایش گذارده شده است - در وین یکی از بزرگترین موزه های مردم شناسی عمومی را مشاهده خواهیم کرد که نه فقط نماینده آثار زندگانی و فرهنگ اولیه اطریش بوده بلکه جزئیات تمدن های مختلف بشری نیز در آنجا نمایش داده میشود .

در برلین نیز موزه مردم شناسی عمومی وجود دارد - در نورامبرگ که یکی از شهرهای باویر است موزه ملی بزرگی یافت میشود که در آن آثار و نمونه های برجسته ای از زندگانی قوم ژرمن جمع آوری گردیده است - این موزه سیر تکامل زندگانی ژرمنها را از ازمینه ماقبل تاریخ تا امروز بشکل مدرج و مرتبی نشان میدهد .

در پاریس موزه مردم شناسی عمومی بنام « تروکادرو » وجود دارد - فعلاً مدخل موزه تروکادرو نمایشگاه بین المللی گردیده است و دبیری نمیگذرد که موزه نامبرده بطرز باشکوه و زیباییتری ساخته خواهد شد و در آن نمونه ها و آثار ظاهری نژاد شناسی را نیز جمع آوری خواهند کرد - و توان گفت پس از انجام این مقصود موزه تروکادرو بزرگترین موزه نژاد شناسی و مردم شناسی دنیا خواهد گردید .

در انگلیس موزه های بزرگ مردم شناسی در شهرهای اکسفرد و کامبریج دیده میشود - در لندن نیز موزه مشهوری است که برای مطالعات مردم شناسی و مقایسه تمدن ملل مورد استفاده میباشد .

در ایتالیا مخصوصاً موزه های مردم شناسی بیش از موزه های نژاد شناسی وجود دارد .

قسمت سوم موزه مردم شناسی ایران و چگونگی آن

اولاً در موزه مردم شناسی ایران باید بخصوص آثار برجسته ای از زندگانی ایرانی بمعرض نمایش گذارده شود.

امروز بدلایلی ایجاد موزه های مردم شناسی عمومی یعنی موزه هائی که جنبه های مختلف زندگانی کلیه اقوام روی زمین را نمایش دهد امری دشوار بنظر میرسد. ثانیاً در موزه مردم شناسی ایران باید آثار و نمونه هائی چند از جزئیات زندگانی افغانها و قفقازیها که مجاور ایران هستند وارد نمود.

برای مجسم کردن زندگانی گذشته ایرانیها در موزه مردم شناسی دونوع اشیاء را باید گرد آورد:

۱ - آنچه مربوط بگذشته بوده و امروزه نیز هنوز در میان دسته های مختلف اقوام این سرزمین وجود دارد از قبیل بعضی از البسه ایلات ، افسانه ها و آوازهای عامیانه و مانند آن .

۲ - آنچه مربوط بگذشته بوده و امروزه از میان رفته است - برای این منظور باید باسناد قدیمی و اشخاص سالخورده مراجعه کرد.

در خاتمه امید است که در آتیه نزدیکی بتوانیم در موزه مردم شناسی شعبه ای از نژاد شناسی را نیز دائر نهائیم البته اگر این منظور عملی گردید موزه ایران تمام جنبه های مختلف زندگانی و اخلاق و آثار ظاهری ایرانی را نمایش خواهد داد و از اینرو موزه نژاد شناسی و مردم شناسی ایران ارزشی بسزا خواهد یافت و وسیله مهمی برای پیشرفت جوانان این کشور در شاهراه دانش و معرفت خواهد گردید .